



دیوان عالی رژیم آل خلیفه حکم پادشاهی را  
علیه شیخ عیسی قاسم تأیید کرد

## سلب تابعیت رهبر شیعیان بحرین

صفحه ۱۵

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2367 ■ Tue.Jan.30, 2018 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۶۴ روز گذشت

روزنامه صبح ایران



نتانیاهو برای سومین بار در یک سال اخیر  
برای جلب نظر پوتین علیه برجام و حضور ایران  
در منطقه به روسیه سفر کرد

## گفت و گو با مرد بی احساس

صفحه ۲



سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۶ ■ ۱۲ جمادی الاول ۱۴۳۹ ■ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۳۶۷ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

### تیتريهای امروز

چرا نمایندگان به کلیات لایحه بودجه ۹۷  
رأی ندادند؟

## لایحه دوست نداشتنی!

■ وقتی دولت «ترین»ها در بودجه هم  
رکوردد می زند



صفحه ۳

یادداشت عباس آخوندی درباره عوامل  
بحران جاده ها و بزرگراه ها در برف اخیر

## وزیر راه: فرهنگ عمومی رانندگی در ایجاد بحران نقش داشت

هین صفحه

گزارش «وطن امروز» از پشت صحنه  
مستندمسابقه فاز

## فاز ما می توانیم

صفحه ۱۲

یک مقام آمریکایی از رایزنی ها برای آزادی  
یک متهم امنیتی در ایران خبر داد

## پروژه آزادی نمازی و کانال های پنهان

صفحه ۲

### خبر

یادداشت عباس آخوندی درباره عوامل  
بحران جاده ها و بزرگراه ها در برف اخیر

## وزیر راه: فرهنگ عمومی رانندگی در ایجاد بحران نقش داشت



**گروه اقتصادی:** وزیر راه با وجود انتقادات  
فراوان مردم از عملکرد مسئولان در مواجهه  
با بحران برفی ابتدای هفته، ایجاد چنین  
مشکلاتی را به فرهنگ عمومی ربط داد.

به گزارش «وطن امروز»، عباس آخوندی در  
یادداشت مفصلی که به یک خبرگزاری دولتی  
داده، روز یکشنبه را روز سخت توصیف کرده و

دلایل ایجاد مشکلات را برشمرده است.  
وزیر راه در بخشی از یادداشت خود  
فرهنگ عمومی رانندگی، نسیتن زنجیرچرخ  
و سدمعبر خودروهایی با لاستیک صاف را در  
ایجاد مشکل برفی شنبه و یکشنبه مقصر  
می داند.

وی در یادداشت خود نوشت: مشکل  
فرهنگ عمومی رانندگی نیز در چنین  
شرایطی خود را نشان می دهد. به رغم اینکه  
از دیروز بعدازظهر (شنبه) اطلاعیه های  
هواشناسی، پلیس و راهداری مبنی بر  
خودداری از سفرهای غیرضرور و تجهیز  
خودروها به زنجیرچرخ و سایر تمهیدات بود،  
در طول مسیر حتی یک مورد خودرو با زنجیر  
چرخ مشاهد نکردم.

پراشکار است که خودروهای سبک با  
لاستیک های صاف در همان آغاز در جاده های  
لغزنده چه وضعیتی پیدا می کنند و چگونه هم  
خود را گرفتار و هم جاده را مسدود می کنند.  
طبیعی است که با نخستین سدمعبر با  
توجه به بارش سنگین برف و کولاک، مابقی  
خودروهایی که مجبز هم هستند امکان عبور  
پیدا نمی کنند و وضع همین می شود که شد.  
اگر نه هم پلیس، هم نیروهای هلال احمر و  
هم راهداری هر یک تمام تلاش خود را برای  
پاک کردن جاده ها، نمک پاشی، امدارسانی و  
مدیریت ترافیک از قبل انجام داده و آمادگی  
کامل داشتند. لیکن مدیریت جاده با هزاران  
خودروی در حال عبور، در صورتی عملکرد  
مناسب خواهد داشت که همه همکاری کنند  
و همه به قواعد پایبند باشند.

## محمد علی نجفی: پایتخت مشکلات کمی در شب و روز برفی تجربه کرد!

انتقاد اعضای کنونی و سابق شورای شهر تهران  
از عملکرد شهرداری در برف اخیر



محمد علی نجفی

صفحه ۴

## در برج عاج

■ امیراستگی

در جریان رسوایی فیش های حقوقی نجومی،  
رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای دولت بازدهم  
تذکر بسیار مهمی را بیان کردند. ایشان در آنجا  
اشاره کردند که رقم هایی که به عنوان حقوق و  
مزایای مدیران دولتی در رسانه ها مطرح شده اند  
برای بسیاری از مردم رقم هایی بزرگ و شاید در  
قامت پس انداز یک عمر آنها باشد. این اشاره رهبر  
انقلاب به نظر توجه دادن دولتمردان تدبیر و امید  
به واقعیات بدیهی جامعه است. واقعیات عربانی که  
شاید ایشان احساس کرده اند برای مدیران دولت  
تدبیر و امید امری غریب و نامفهوم و ناآشناست  
و مهم است که در سطح یک توصیه کلان از یک  
مقام بالادست برای آنها مطرح شود. این دور بودن  
از واقعیات جامعه و فکر کردن و تصمیم گرفتن بر  
اساس استانداردهای زندگی مرفه است که هم در  
جریان فیش های نجومی و هم در جریان قوطی  
خواندن واحدهای مسکن مهر، رفتار دولتمردان  
میلیاردر کنونی را توضیح می دهد. برای دولتمردی  
که در خانه بسیار بزرگ در منطقه ولنجک تهران  
ساکن است، آپارتمان های ۸۰ متری همان ولنجک  
هم قوطی است حتی اگر قیمت هر کدام شان  
بیش از یک میلیارد تومان هم باشد، چه رسد  
به واحدهای مسکن مهر. در اصل، زندگی تحت  
استانداردهای نجومی که باید از آن به عنوان سبک  
زندگی عالینجانبان تدبیر و امید یاد کرد، مسکن مهر  
و ساکنانش که هیچ، ۹۰ درصد ساکنان کلانشهر  
گرانقیمتی مانند تهران را هم به زیر خط بدبختی  
و افلاس می برد و این تنزل عمده جمعیت یک  
کشور به موجودات فلک زده ای که در قوطی های  
محققرشان توی هم می لولند، نتیجه ناگزیر مسابقه  
دور شدن هر چه بیشتر از واقعیات زندگی مردمان  
این کشور است. حالا اگر به اول کلامان برگردیم  
باید این تذکر را هم بدسیم که گویی عمده این  
صاحب منصبان در طول عمرشان تجربه زیستن با  
استانداردهایی پایین تر از آنچه دارند را هم ندارند،  
اگر نه مانند بسیاری از دارندگان زحمت کشیده، در  
برخورد با کسانی که درآمدهای کم دارند اینگونه

از برج عاج لب به سخن نمی گشوند.

برطرف شود، لذا انتخاب سکونت در مسکن مهر  
انتخابی با آگاهی نسبت به این شرایط بود و کسی  
که واحد مسکن مهر خریداری می کرد از پیش  
نسبت به این مشکلات آگاه بوده است. جبرهای  
درآمدی و قیمت سرسام آور مسکن در شهرها  
این انتخاب را در تحلیل نهایی به یک انتخاب  
اقتصادی مناسب و آبرومندانه برای بسیاری از  
شهروندان بدل می کرد. اما با تغییر دولت و روی  
کار آمدن دولتمردان میلیاردری که استانداردهای

بسیار بالایی برای زندگی خود تعریف و زندگی  
بی دغدغه و امن و امان برای خانواده های شان  
ترسیم کرده اند، مسکن مهر از قامت یک مسکن  
قابل قبول و پذیرفتنی و آبرومندانه به یک ننگ  
فقر و بیچارگی تغییر چهره داد. آیا قوطی خواندن  
واحدهای مسکن مهر توسط رئیس جمهور در حالی  
که همانگونه که ذکر شد وضعیت مساحت و  
کیفیت بسیاری از واحدهای سکونت کلانشهرها  
مشابه یا حتی پایین تر از آن است، جز توهین به  
ساکنان و مالکان این واحدها معنای دیگری دارد؟  
یا مزخرف خواندن مسکن مهر توسط وزیر راه  
و شهرسازی آیا حاصلی جز خوار و خفیف شدن  
و از ارزش افتادن واحدهای مسکن مهر دارد؟ آن  
هم به دلیل بعضی کاستی ها در خدمات عمومی  
در شهرک های مسکن مهر که عمده آن هم ناشی  
از عدم اجرای تعهدات زیرمجموعه های دولت پس

از سال ۹۲ است؟  
با این اوصاف وقتی از دید رئیس جمهور کشور  
واحدهای مسکن مهر قوطی هستند پس لاجرم  
عمده ساکنان شهرهای بزرگ هم از نظر مساحت  
خانه های شان در حال زندگی در قوطی هستند. با  
این تفاوت که قوطی های ملت در کلانشهرها شاید  
رنگ و لعاب و کیفیت بیشتری داشته باشد و به  
مراکز عمده شهرهای شان نیز نزدیک تر باشد ولی  
از نظر مساحت و اندازه خانه ها کمکان در قرائت  
رئیس جمهور، قوطی کبریتی بیش نیست.

که در آن واحدهای مسکن مهر «قوطی» تشخیص  
داده شده اند. اما مگر واحدهای مسکن مهر چه  
ویژگی هایی دارند که برای رئیس جمهور کشور در  
حکم قوطی هستند؟ به عبارت دیگر باید پرسید:  
مشکل از کجاست که منجر به شکل گیری چنین  
قضاوتی شده است؟ آیا برآستی متراژ و کیفیت  
واحدهای مسکن مهر آنقدر نامناسب است که این  
تشبیه را روا بدارد یا اینکه مشکل از استانداردهای  
بیش از حد معمول بالای آقای رئیس جمهور

است؟  
پروژه مسکن مهر به دنبال تولید انبوه مسکن  
به شیوه ای اقتصادی و ارزان برای اقشار کم درآمد  
با کم و کیف استانداردهای زندگی شهروندان با  
درآمدهای زیر ۲ میلیون تومان در کلانشهرها و  
بویژه تهران، نیاز به تلاش مضاعفی دارند؟ بسیاری  
از افرادی که از مسیر کسب کار و موفقیت های  
شغلی اکنون در سطوح بالای استانداردهای  
معیشتی قرار دارند به واسطه رشد پله پله و پله  
در گذر زمان، فهم مناسبی از وضعیت زندگی افراد  
با درآمدهای کمتر دارند ولی تعدادی از کسانی  
که چنان سطح معیشتی و استانداردهای بالایی  
را دارند چنین درک بی واسطه ای را ندارند. دلیل  
هم به وضعیت اقتصادی و رفاهی بازمی گردد که از  
شروع زندگی تاکنون در آن قرار داشته اند و موهون  
ثروت و مکت پدران آنها یا دیگ هلیوم پرچربی  
است که با سر به درون آن افتاده اند. برای این  
دسته شاید سخت باشد که تصور امکان زیستن  
در شرایط درآمدی پایین را داشته باشند و همین  
می شود که ناخودآگاه در برخورد با مسائلی که  
چالش های زندگی اقشار با درآمد متوسط به پایین  
است به نحوی سخن می گویند و رفتاری می کنند که  
موجب ناراحتی و کنورت مخاطبان کم درآمدشان  
می شود و راه را به استنتاج بی شعوری شان ختم  
می کنند. اگر نخواهیم راه دور برویم و زیاد  
مقدمه چینی نکنیم باید به سخنان رئیس محترم  
جمهور درباره «مسکن مهر» اشاره کنیم. سخنانی  
این شهرک های جدید این مشکل تا حدود زیادی

با یک نظر ساده به اطراف  
**نگاه**  
خودمان و بدون نیاز به مراجعه

به آمار و ارقام، می توانیم به روشنی متوجه شویم  
که ما هم اکنون در اکثر شهرهای ایران و بویژه  
کلانشهرها در حال زندگی در خانه هایی با متراژ  
محدود هستیم؛ متراژی که در حدود ۷۰ تا ۱۰۰  
متر. اگر تهران را در نظر بگیریم شاید این متراژ  
پایین تر نیز بیاید و به ۶۰ تا ۸۰ متر نزدیک شود.  
ما برای رسیدن به این درک جز نگاه به آنچه در  
حال زندگی در آنیم به چیز دیگری نیاز نداریم  
ولی آیا مساله برای کسی که سال هاست در یک  
مجموعه از استانداردهای بسیار بالای معیشتی در  
حال گذران زندگی است، به همین پداهتی است

که برای ما است یا اینکه این قبیل افراد برای فهم  
کم و کیف استانداردهای زندگی شهروندان با  
درآمدهای زیر ۲ میلیون تومان در کلانشهرها و  
بویژه تهران، نیاز به تلاش مضاعفی دارند؟ بسیاری  
از افرادی که از مسیر کسب کار و موفقیت های  
شغلی اکنون در سطوح بالای استانداردهای  
معیشتی قرار دارند به واسطه رشد پله پله و پله  
در گذر زمان، فهم مناسبی از وضعیت زندگی افراد  
با درآمدهای کمتر دارند ولی تعدادی از کسانی  
که چنان سطح معیشتی و استانداردهای بالایی  
را دارند چنین درک بی واسطه ای را ندارند. دلیل  
هم به وضعیت اقتصادی و رفاهی بازمی گردد که از  
شروع زندگی تاکنون در آن قرار داشته اند و موهون  
ثروت و مکت پدران آنها یا دیگ هلیوم پرچربی  
است که با سر به درون آن افتاده اند. برای این  
دسته شاید سخت باشد که تصور امکان زیستن  
در شرایط درآمدی پایین را داشته باشند و همین  
می شود که ناخودآگاه در برخورد با مسائلی که  
چالش های زندگی اقشار با درآمد متوسط به پایین  
است به نحوی سخن می گویند و رفتاری می کنند که  
موجب ناراحتی و کنورت مخاطبان کم درآمدشان  
می شود و راه را به استنتاج بی شعوری شان ختم  
می کنند. اگر نخواهیم راه دور برویم و زیاد  
مقدمه چینی نکنیم باید به سخنان رئیس محترم  
جمهور درباره «مسکن مهر» اشاره کنیم. سخنانی

www.vatanemrooz.ir

در شبکه های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن  
۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان  
۱۰۰۰۲۲۳۱

### یادداشت امروز

## این پادشاه لخت است!

■ حسن رضایی

ما ۵ سال است به هر زوری شده، می خواهیم  
بخشی از نظم جهانی شویم تا اقتصادمان شکوفا  
شود. وقتی هم در نهایت می فهمیم مذاکره با  
آمریکا دیوانگی است و نتیجتاً چنان رونقی ایجاد  
نمی شود تا مردم اصلاً به آن ۴۵ هزار تومان  
پول یارانه نیاز نداشته باشند، در واکنش به یک  
منظره دوطرفه درباره برجام بیانیه می دهیم که:  
«مان این تردستی های ژورنالیستی مدت هاست  
گذشته و مردم ما فریب این صحنه سازی های  
سیاسی توسط تازه از راه رسیدگان ناشی و  
کم اطلاع را نخواهند خورد!» اینها اما ظاهراً برای  
جلوگیری از تشویش اذهان عمومی کافی نیست.  
لازم است فردی که ۳۶ سال است ریاست یک  
روزنامه را در جهت گردش ممتد نخیشان (!) بر  
عهده داشته، بگوید اختیارات رئیس جمهور تنها  
۱۵ درصد است و با این اختیارات، خب! نمی شود  
چنان رونقی ایجاد کرد که کذا...

از نگاه سوزه مورد نظر انگار همه گوش مخملی  
هستند و کسی عقلش نمی رسد بپرسد شما که  
اینقدر ریاضی تان خوب است، چرا وعده های  
قله ای و بی حساب و کتاب به مردم دادید؟ آن  
وقت رنگ انشا بود یا خواستید ایده های تان را  
روی ما امتحان کنید؟ مگر مملکت، آزمایشگاه  
است؟ البته ما نیک می دانیم که «آدام اسمیت»  
پدر معنوی همین نظم جهانی اقتصادمحور که  
شما و دوستان تان بر خلاف امام(ره)، معتقد به  
دوستی با آن هستید، انسان را حیوان می دید.  
حیوانی اقتصادی! بگذریم... حالا اما من نوید  
می دم که بیانیه های آتشین دیگری در حال  
پخت و پز است. بیانیه هایی به مراتب کوبنده تر  
از «بخش چنین دیدگاه های متوهمانه یا  
مصاحبه های سخیف ساختگی علیه برجام!»...

شواهد می گوید جناب مسیح مہاجری  
نیز خود را آماده کرده تا باز هم اختیارات  
رئیس جمهور را تفریق و تقسیم کند. چطور؟  
عرض می کنم! وزیر محترم امور خارجه اخیراً  
طی مقاله ای در فایننشال تایمز راهکار جدیدی  
برای حل مسائل منطقه ارائه کرده اند. چکیده  
حرف ایشان این است که دوستان اروپایی ما،  
متحان خود-ترامپ- را راضی کنند تا برای حل  
اختلافات منطقه ای، یک «جمع گفت و گو  
منطقه ای» در منطقه خلیج فارس شکل دهیم.  
وزیر محترم در مقاله خود، از لزوم ایجاد یک  
«شبکه امنیتی» برای تامین امنیت خلیج فارس  
گفته اند «دوران گرد هم آمدن کشورهای یک  
منطقه با هدف ایجاد امنیت اختصاصی برای  
خود و محروم کردن دیگران از آن امنیت،  
گذشته است و حالا دوران ایجاد شبکه های  
امنیتی است.

جناب ظریف سهواً یا به جد، در بخشی  
دیگر از مقاله، تلویحاً ائتلاف نمایشی غربی ها  
برای مبارزه با داعش را نیز که قصد داشت  
۳۰ ساله (!) کلک داعش را بکشد، در نابودی  
آن سهم نداشته، نوشته اند: «وابستگی که از  
رهاورد هکساری در جنگ با داعش ایجاد شده،  
می تواند طلیعه دورانی جدید باشد!» ایشان البته  
پیش از این در ۲۰ آذر ماه نیز با انتشار مقاله ای  
در نیویورک تایمز- که آن هم از رسانه های  
منتقد سرسخت ترامپ محسوب می شود! -  
صورت مساله بحران موجود در منطقه را چنین  
تشریح کرده بودند: «رویا نباید به عزم واشنگتن  
برای تغییر توجهات به یک بحران غیرضروری  
دیگر تن دهد؛ چه برنامه موشکی دفاعی ایران  
باشد و چه حضور و نفوذ منطقه ای ایران»

شبکه امنیتی اما چیست و چرا اولاً عملیاتی  
نیست و ثانیاً چیزی جز دادن باج های منطقه ای  
از سوی ایران نمی تواند باشد؟- حالا در قرن  
۲۱، بسیاری از کشورها به تبع روابط اقتصادی  
گسترده با یکدیگر، و برای اختلافات ایدئولوژیک،  
سیاسی و... در صورت تعارض شدید در یک  
موضوع خاص نیز نمی توانند وارد درگیری  
نظامی- با یکدیگر شوند، چرا که بالا بردن  
سطح تنش ها، نتیجه ای جز ضربه دیدن اقتصاد  
خودشان نخواهد داشت. صوری روسیه در  
مساله هدف قرار دادن هواپیمای جنگی اش از  
سوی ترکیه، مصداق روشن چنین واقعیتی است.  
به بیان دیگر، ما در منطقه غرب آسیا، هم اکنون  
نیز شبکه ای امنیتی را شاهد هستیم. شبکه ای  
متشکل از کشورهای همپیمان و در عین حال  
متعارض در موضوعات مختلف که ما هم جزو آن  
هستیم. پایه اصلی چنین شبکه ای نیز بیش از هر  
چیز، منافع راهبردی و اقتصادی مشترک است.

ادامه در صفحه ۵